

روند شکل‌گیری جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور (۱۳۲۰ - ۱۳۴۲)

امین داودی^۱

چکیده:

هدف از این پژوهش بررسی روند چگونگی شکل‌گیری فعالیت سیاسی دانشجویان ایرانی از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲ در خارج از کشور می‌باشد. پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخ به این پرسش‌ها است که، زمینه‌های جنبش دانشجویی خارج از کشور چگونه شکل گرفت؟ کنفدراسیون جهانی محصلین ایرانی خارج از کشور تحت تاثیر چه عواملی شکل گرفت؟ فرض اصلی پژوهش پیش‌رو بر این امر استوار است که، سیاست اخذ صنعت جدید غرب از جانب پهلوی اول و دوم سبب شد تا دانشجویان زیادی را به صورت گسترده به غرب اعزام کنند ولی اغلب این دانشجویان تحت تاثیر جریان‌های سیاسی و ایدئولوژیک داخل و خارج از کشور قرار گرفتند و محفل‌های دانشجویی که کار فرهنگی در آنها صورت می‌گرفت به تدریج به کار سیاسی مخالف دولت ایران تبدیل شدند. پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش تحقیق تاریخی توصیفی - تحلیلی انجام شده است. واژگان کلیدی: دانشجوی، پهلوی، کنفدراسیون، جنبش دانشجویی، دانشگاه، غرب.

۱-مقدمه:

با کودتای ۲۸ مرداد و در پی آن حوادث ۱۶ آذر به تدریج آرامش نسبی در ایران حاکم شد و رژیم پهلوی به تدریج اقتدار خود را بر تمام مسائل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی مستحکم کرد. احزاب ایدئولوژیک قدرت خود را از دست داده و به محاق رفتند و برخی از فعالین سیاسی به خارج از کشور فرار کردند. در سال ۱۳۳۵ با تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) نیز به تدریج این فضای بسته سیاسی شدت یافت و این مسئله منجر به شکل‌گیری اپوزیسیون ایرانی در بیرون مرزها شد که دانشجویان ایرانی

به دلیل سابقه فعالیت سیاسی خود در ایران نقش به‌سزایی در این فعالیتهای خارج از کشور داشتند و سرانجام یکی از بزرگترین اتحادیه‌های دانشجویی جهان را در خارج از کشور در راستای مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک با رژیم حاکم در ایران تأسیس کردند که اکثر این دانشجویان از دانشجویانی بودند که دوره لیسانس خود را در ایران سپری کرده بودند و با کار تشکیلاتی و دانشجویی آشنا بودند. و سابقه سیاسی آنها در ایران به آنها کمک می‌کرد تا بتوانند خیلی سریع جذب مخالفین و اپوزیسیون ایرانی خارج نشین شوند.

روند اعزام دانشجویان ایرانی به خارج از کشور از دوره قاجار و بعد از جنگ‌های ایران و روس به تدریج شکل گرفت ولی به صورت محدود و انگشت‌شمار بود. اما با روی کار آمدن رضاشاه این روند سرعت زیادی به خود گرفت و دانشجویان زیادی از ایران از طرف دولت و یا خصوصی به خارج اعزام شدند. با تصویب قانون اعزام محصل ایرانی به خارج از کشور در سال ۱۳۰۷ هرسال حدود یک‌صد نفر دانشجویی برای فراگیری فنون مختلف از میان فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌ها از طریق مسابقات به هزینه دولت به اروپا روانه می‌شدند.^۱ با تصویب این قانون که ظاهراً به‌طور کامل نیز اجرا شده است، ظرف شش سال، ۶۴۰ نفر، یعنی بیش از تمامی آنچه در طول مدت ۱۲۰ سال در دوره قاجاریه صورت گرفته بود، محصل و دانشجو به خارج اعزام شد.^۲

روند اعزام دانشجو در دوره پهلوی اول و دوم به همین شکل ادامه داشت چنانکه تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بیش از صد هزار نفر دانشجوی ایرانی در کشورهای غربی مشغول تحصیل بودند.^۳ که روزبه‌روز بر تعدادشان افزوده می‌شد و این افزایش جمعیت به‌گونه‌ای شد که امکان تأسیس یک اتحادیه بزرگ را به دانشجویان می‌داد و این چنین نیز شد.

موضوع و هدف پژوهش پیش‌رو بر این سوال استوار است که روند شکل‌گیری جنبش دانشجویی در خارج از کشور چگونه بود و فرض اصلی پژوهش پیش‌رو بر این امر استوار است که، سیاست اخذ صنعت جدید غرب از جانب پهلوی اول و دوم سبب شد تا دانشجویان زیادی را به صورت گسترده به غرب اعزام کنند ولی اغلب این دانشجویان تحت تاثیر جریان‌های سیاسی و ایدئولوژیک داخل و خارج از کشور قرار گرفتند و محفل‌های دانشجویی که کار فرهنگی در آنها صورت می‌گرفت به تدریج به کار سیاسی مخالف دولت ایران تبدیل شدند. لازم به ذکر می‌باشد که تاکنون پژوهشی تحت این عنوان صورت نگرفته است.

۱. حاضری، روند اعزام دانشجو، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۳۷.

۳. همان، ص ۴۰.

۲- چگونگی شکل‌گیری کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایران در اروپا:

با اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا، این دانشجویان اکثراً در سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه مشغول به تحصیل شدند که به دلیل شرایط سیاسی ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد و محیط باز سیاسی در این سه کشور و تعداد بالای دانشجویان ایرانی در این سه کشور به تدریج فکر تأسیس تشکل‌های دانشجویی که در مرحله اول نهادی صنفی بود، قوت گرفت. این اتحادیه‌ها بعدها جنبه سیاسی پیدا کرد و سرانجام نیز بنیان کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور از دل همین اتحادیه‌های دانشجویی سر برآورد.

قبل از تأسیس کنفدراسیون جهانی، دانشجویان ایرانی در این سه کشور به صورت جداگانه دست به تأسیس اتحادیه دانشجویان ایرانی در همان کشور زده بودند. در فرانسه انجمن دانشجویان ایرانی در دهه ۱۹۵۰ به وجود آمده بود.^۱ در این مدت عمده فعالیت‌های دانشجویان حول محور برگزاری جشن نوروز و دیگر جشن‌های ایرانی خلاصه می‌شد و فعالیت سیاسی جدی را پی‌گیری نمی‌کردند. خانابا تهرانی که از مؤسسين کنفدراسیون بوده است در مصاحبه‌ای با حمید شوکت می‌گوید:

«پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و شکست جنبش ملی و هجوم دانشجویان ایرانی به اروپا و آمریکا، کنفدراسیون بر اساس نیاز فرهنگی، سیاسی و صنفی دانشجویان به همت جوانان فعال سیاسی که از ایران آمده و دارای اندیشه سیاسی بودند، رفته‌رفته پا گرفت. در ابتدا، اساس کار بر این بود که فرهنگ ایران شناسانده شده و برای خواسته‌های صنفی چاره‌جویی شود.»^۲

در سال ۱۹۵۸ فعالیت‌های دانشجویان ایرانی در فرانسه دوره جدیدی را آغاز کرد.^۳ بدین ترتیب که برای فعال کردن اتحادیه دانشجویان ایرانی، ۱۲ نفر از اعضای آن با یکدیگر ملاقات و یک هیئت اجرایی پنج‌نفره را انتخاب کردند. پیشنهاد یکی از اعضای هیئت بود و طبق گفته او، هیئت اجرایی سه نوع سازمان دانشجویی را مورد توجه قرارداد: اول اتحادیه‌گرایی صرف؛ دوم سندیکالیسم سیاسی و سوم ترکیبی از سندیکالیسم دانشجویی توأم با «تعهد» سیاسی.^۴ به تدریج بر تعداد دانشجویان ایرانی در فرانسه در این اتحادیه افزوده می‌شد و اتحادیه برای خود وزنه‌ای پیدا کرد. گسترش فعالیت‌های اتحادیه منجر به این شد تا فکر تأسیس یک مجله در ذهن دانشجویان پیدا شود که در اینجا بود که اتحادیه دانشجویان ایرانی

۱. متین، کنفدراسیون (تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور)، ص ۶۶.

۲. شوکت، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران: مصاحبه با خانابا تهرانی، ص ۳۱۱.

۳. متین، همان، ص ۷۰.

۴. همان، ص ۷۰.

در فرانسه مجوز مجله نامه پارسی را اخذ کردند. نامه پارسی به دلیل اینکه بعدها ارگان رسمی اتحادیه دانشجویان ایرانی در اروپا می‌شود و همچنین به این علت که محرک دانشجویان در راستای تأسیس اتحادیه بوده بسیار مهم می‌باشد. در سرمقاله نامه پارسی در شماره اول آن آمده است: «نامه پارسی برنامه‌ای سنگین‌تر و هدف‌های وسیع‌تر برگزیده است. پیش از هر چیز: گرچه اتحادیه دانشجویان ایرانی در فرانسه پیشاهنگ ایجاد و انتشار این مجله است - و اگر کوشش و همت او نبود شاید این خیال همیشه بصورت آرزو می‌ماند- نامه پارسی از آن عموم دانشجویان ایرانی در اروپاست و همه آنها که به زبان فارسی، به فرهنگ و تمدن و سرنوشت کشور ایران علاقه‌مندند، می‌توانند نویسنده، خواننده و دوست این مجله باشند.

هدف نامه پارسی، پیش از همه ایجاد وحدت و هم‌بستگی بین تمامی دانشجویان ایرانی در اروپا و دفاع از حقوق و منافع صنفی آن‌هاست. هرکس به این هدف دل‌بسته است همکار و همراه ما خواهد بود. بدیهی است ما در عرصه سیاست قدم نخواهیم گزارد و در مباحث سیاسی روز هرگز دخالت نخواهیم کرد. اما کوشش و علاقه شدید داریم که نشریه ما تنها یک مجله صنفی و بی‌روح نباشد، بلکه آخرین مطالعات علمی و اقتصادی و هنری و اجتماعی و تازه‌ترین جریان‌های فکری و فرهنگی جهان امروز در آن منعکس شود. مشکلات تحصیلی دانشجویان در اروپا، انتخاب رشته‌های علمی بیشتر لازم، معرفی کارهای برجسته ایرانیان مقیم اروپا، احتیاجات کشورمان به متخصصین فنی، تحقیق در علل عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی ایران، چگونگی ایجاد شرایط و محیط مناسب و دلخواه برای ادامه کار علمی و فنی، امکانات و شرایط به وجود آوردن کارهای تولیدی، انتقاد و معرفی کتاب‌هایی که در اروپا درباره ایران منتشر می‌شود و قس علیهذا... مباحثی هستند که به تفضیل در صفحات این مجله مورد مطالعه و بحث قرار خواهند گرفت.»^۱

با مطالعه شماره اول نامه پارسی می‌توان به صحت گفته‌های نویسنده سرمقاله شماره اول پی برد و دریافت که تمام مقالات و مطالبی که در شماره اول به کار برده شد به‌دوراز مسائل سیاسی روز و بیشتر جنبه علمی و صنفی و گهگاهی نیز نقد اجتماعی بوده که نویسندگان این شماره در پی نقد جامعه ایران و یا انحطاط شناسی در مورد ایران بودند.

انتشار شماره اول نامه پارسی و فرستادن آن به دیگر کشورهای اروپایی سبب شد که برای اولین بار دانشجویان ایرانی در کشورهای مختلف اروپایی به فکر رابطه و اتحاد باهم دیگر بیفتند و این امر نتیجه

۱. نامه پارسی، دوره اول، ش ۰۱، س ۱ (اردیبهشت ۱۳۳۸، مه ۱۹۵۹) ص ۲.

شماره اول نامه پارسی بود. در واقع می توان نقطه شروع شکل گیری اتحادیه دانشجویان ایرانی در اروپا را همین مجله نامه پارسی دانست. چنانکه نامه پارسی در شماره دوم خود به این مسئله اشاره می کند.^۱ نامه پارسی در شماره سه خود به روشنی دانشجویان ایرانی در اروپا را به تشکیل یک اتحادیه دانشجویی ثابت در اروپا دعوت می کند:

«نیازی نیست اگر گفته شود که تدوین اصول چنین سیاستی جز با همکاری همگی سازمان های دانشجویی میسر نیست. بدین سبب، باید از هم اکنون کوشید تا سازمان های دانشجویی ایرانیان در اروپا، در نخستین انجمن خود، رسیدگی و بررسی این مهم را در دستور کار روز خود قرار دهند. تشکیل چنین انجمنی می تواند از هدف های کنونی سازمان های دانشجویی شمرده شود، زیرا که موفقیت و پیروزی دانشجویان با میزان هماهنگی و همکاری سازمان های دانشجویی با یکدیگر نسبت مستقیم دارد. هر چه زودتر باید نمایندگان جامعه های دانشجویی گرد هم نشینند و با انتخاب «دفتر ثابتی» نخستین پایه بنای اتحادیه واحد اروپایی را بریزند.»^۲

در شماره سه نامه پارسی تا حدودی این نشریه پا را فراتر می نهد و انتقادهای تندی را علیه جامعه ایران و سیاست های حاکم بر آن می کند. کوکب صفاری در مقاله ای تحت عنوان «وجوب آزادی زنان» به شدت از وضعیت زنان در ایران انتقاد می کند و آن را محصول حمله اعراب به ایران می داند و می نویسد که قبل از حمله اعراب به ایران زنان ایران در دوره ساسانیان دارای حقوق و جایگاه بالایی در جامعه بودند. وی به سیاست های حاکم بر جامعه که زنان را محروم کرده است انتقاد شدیدی می کند و خواستار برجیده شدن این قوانین ضد زن در ایران شده است.^۳

از دانشجویان ایرانی که در ابتدا در راستای تأسیس اتحادیه های دانشجویی و بعدها کنفدراسیون شرکت داشتند می توان افراد زیر را نام برد: حسن قاضی، پری حاجبی، منوچهر هزارخانی، هما ناطق، امیر پیشداد، ناصر پاکدامن، صوراسرافیل، حسین نظری، شهرآشوب امیرشاهی، مستوفی، عسکری، ویدا حاجبی، رزم آرا، براتعلی راستین، حسین ملک، مولود خانلری.^۴

۳-فدراسیون انجمن های دانشجویی ایرانی در بریتانیا:

۱. نامه پارسی، همان، ش ۲، س ۱ (مهر ۱۳۳۸، اکتبر ۱۹۵۹)، ص ۳.
۲. نامه پارسی. دوره اول. ش ۳، س ۱ (دی ماه ۱۳۳۸، ژانویه ۱۹۶۰)، ص ۱ سرمقاله.
۳. نامه پارسی. شماره سوم. همان. ص ۱۵۰ تا ۱۵۴.
۴. الموتی، ایران در عصر پهلوی، ص ۲۴۱.

روابط سیاسی ایران با انگلستان نسبت به دیگر کشورهای اروپایی به نسبت بیشتر بوده؛ انگلیسی‌ها بعد از کشف نفت در ایران نفوذ بیشتری پیدا کردند و مسئله نفت باعث شد رابطه این دو کشور خیلی مهم شود. در پی این مسئله حکومت ایران نیز سال‌به‌سال دانشجویان زیادی را روانه انگلیس می‌کرد تا بعدها همین جوانان و دانشجویان بتوانند به ایران برگردند و چرخ‌های صنعت نوپای ایران را به چرخش دریاوردند و آن را توسعه دهند.

حضور تعداد زیادی از دانشجویان ایرانی در انگلیس سبب شد تا دانشجویان ایرانی به فکر تأسیس انجمن‌های دانشجویی در انگلیس برآیند. یکی از این انجمن‌ها «انجمن لندن» بود که پس از جنگ جهانی دوم تأسیس شد و سفیر ایران ریاست آن را بر عهده داشت.^۱ ولی این تشکل وابسته به دولت بود و فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم حاکم انجام نمی‌داد و در دست دانشجویان مخالف قرار نداشت. اما در اواخر سال‌های ۱۹۵۰ دانشجویان مخالف نیز چند محفل تشکیل داده و رهبری محافظه‌کاری طرفدار رژیم انجمن لندن را به مبارزه طلبیدند. در بین این فعالین از منوچهر ثابتیان، حسن رسولی، پرویز اوصیا، امیر طاهری و پرویز نیکخواه می‌توان نام برد. اینان از اعضای انجمن لندن بودند که در سال ۱۹۵۸ پس از یک مرحله از مشارکت فعال در انجمن و اداره موفقیت‌آمیز آن، رهبری انجمن را در دست گرفتند.^۲ با به صحنه آمدن این دانشجویان سیاسی در رأس انجمن لندن به تدریج این انجمن به سمت نقد حاکمیت در ایران رفت و فعالیت‌های خود را روزبه‌روز گسترش داد. رهبری جدید انجمن سعی کرد تا انجمن لندن را مستقل و آن را بازسازی کند؛ به طوری که نتیجه کار منجر به ایجاد فدراسیونی از انجمن‌های دانشجویان ایرانی انگلستان شد که در پی آن توانستند چند نشریه دانشجویی بچاپ رسانند.^۳

درست پیش از تشکیل کنفدراسیون در اروپا فعالیت‌های مطبوعاتی گسترده‌ای در بین محافل دانشجویان ایرانی در انگلستان به وجود آمده بود. انجمن دانشجویان ایرانی در انگلستان در اواخر سال ۱۹۵۷ شروع به انتشار نشریه ماهانه‌ای به نام پژوهش کرد.

از دانشجویان ایرانی فعال که در راستای تأسیس اتحادیه‌ها در انگلیس فعالیت می‌کردند و بعدها نیز جز افراد فعال کنفدراسیون بودند می‌توان افراد زیر را نام برد: منوچهر ثابتیان، حمید عنایت، محمدی ژیلایا، سیاسی، حسن رسولی، مهرداد بهار، پرویز اوصیا، حسن صفوی، جمشید انور، همایون کاتوزیان،

۱. متین، همان، ص ۷۷.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. همان، ص ۷۷.

محسن رضوانی، فیروز شیروانلو، خسرو شاکری، پرویز نیکخواه، منصور سادات پور، کاشانی، منصوری، منوچهر گنجی، امیر طاهری.^۱

۴-فدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم آلمان:

در خلال جنگ جهانی دوم تعداد ایرانیان مقیم آلمان کاهش یافت و دولت ایران دستور داد تا دانشجویان ایرانی به سرعت به ایران برگردند^۲ اما بعد از جنگ دوباره حضور دانشجویان ایرانی در اروپا و به خصوص آلمان بالا رفت. در سال ۱۹۵۱ میلادی تعداد ۶۶۱۰ ایرانی در آلمان غربی مقیم بودند که در ۱۹۶۹ تعداد آنها به ۱۷۰۰۰ نفر رسید و در سال ۱۹۷۹ حدود ۲۰۰۰۰ نفر با افزایش یافت.^۳ در سال ۱۹۶۱ دانشجویان ۴۵/۶ درصد کل ایرانیان مقیم آلمان را تشکیل می دادند، ولی در سال ۱۹۷۸ تعداد آنها به ۲۲/۸ درصد رسید که مجموع آنها ۵۵۰۰ نفر بود.^۴

در طول دهه ۱۹۵۰ جمهوری فدرال آلمان و شهر برلین غربی به صورت بزرگترین تجمع دانشجویان ایرانی خارج از کشور درآمد. سازمانی وابسته به حزب توده به نام «سازمان دانشجویان ایرانی مقیم آلمان» در این زمان وجود داشت و نشریه ماهانه‌ای به نام سداما منتشر می کرد.^۵ دانشجویان ایرانی در آلمان نیز همانند فرانسه و انگلیس در ابتدا فعالیت‌های خودشان را محدود به فعالیت‌های فرهنگی از جمله برگزاری جشن نوروز و امثالهم کرده بودند. اما به تدریج این جو شکسته شد، از ۷۵۰ دانشجوی ایرانی مقیم مونیخ ۸۰ نفر انجمن فوق‌الذکر را راه انداختند و پنج نفر به نام‌های مهدی تهرانی، محمدرضا آرام، ایرج بیگدلی، محمدرضا تنکابنی و دکتر اکبری به نام هیئت کارداران تعیین شدند و آیین‌نامه و اساسنامه‌ای بین خود تصویب کردند.^۶ در تاریخ ۱۳۳۹/۱۱/۲۲ این دانشجویان که حدود ۲۰۰ نفر بودند به رهبری مهدی خانابایا تهرانی و فریدون فرخزاد تظاهراتی ضد دولت ایران انجام دادند که سبب شد چنانکه مقامات انتظامی به تظاهرکنندگان اخطار دهند که صورت تکرار چنین اعمالی از آلمان اخراج خواهند شد.^۷

۱. الموتی، همان، ص ۲۳۹.

۲. مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ص ۴۴۳.

۳. تاریخ روابط ایران و آلمان (مصور)، ایرانیکا، ص ۲۲۰.

۴. همان، ص ۲۲۱.

۵. متین، همان، ص ۸۱.

۶. چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، ص ۳۵.

۷. چپ در ایران به روایت اسناد، همان، ص ۴۱.

از دانشجویان ایرانی در آلمان که در ابتدا در راستای تأسیس اتحادیه‌های دانشجویی در آلمان و بعدها کنفدراسیون نقش داشتند و فعالیت زیادی می‌کردند می‌توان اسامی زیر را نام برد: مهدی خان‌بابا تهرانی، هوشنگ توکلی، منوچهر آشتیانی، محمد حسنی، منوچهر بوذری، احمد دانش، روح‌الله حمزه‌ای، رضا حجره، علی شیرازی، منوچهر حامدی، پرویز مشک ریز، فریدون هژبری، بهمن نیرومند، مجید زربخش، مجید بیات، علی راسخ افشار، هادی بلوری، حسین پناهنده، ناصر شریفی، کورش لاشائی، شجاع صدری، حسن ماسالی، سعید جهانگیر، عباسعلی گرامی منش، حیدر رقابی، محمدرضا اعلم، شفیع دهداریان، کیوان زرین کفش، سیاوش پارسا نژاد، محمد جاسمی، اکبر مرتضوی، نوید مکی نژاد، هوشنگ ثریاپور، هادی روح‌الامین، مهدی آریان، اسدالله تیورچی، محمد فریور، فیروز فولادی، امیر فرخزاد، وهاب اکبری، داریوش شیروانی، جلال شبیری، محمود راسخ افشار، بهرام راستین، ناصر طهماسبی، جعفر صدیق، علی امین، علی سعادت، سعید عنایت، محمود گودرزی، ایرج بیگلری، بیژن قدیمی، اسماعیل تازی، قلی محمدی، پرویز ظفری، علی بلورچی، افلاطون تیکرانی، عباس صدقه‌ای حشمت، حسین حاتم، محسن فرجاد.^۱

با گسترش تدریجی فعالیت‌های دانشجویی در سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه فکر تأسیس یک اتحادیه یا کنفدراسیون در بین دانشجویان ایرانی در این کشورها به وجود آمد. در فاصله روزهای ۱۵ و ۱۸ آوریل ۱۹۶۰، نمایندگان سازمان‌های دانشجویان ایرانی در این سه کشور در هایدلبرگ آلمان غربی گرد هم آمده و در نتیجه ادغام سازمان‌های خود «کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا» را به وجود آوردند.^۲ تنها فرانسه دارای تشکیلاتی یکپارچه بود، از آلمان ۵ سازمان از (هایدلبرگ، توینگن، راینلند، وستفالی و هانور) حضور داشتند و از بریتانیا فدراسیون انجمن‌های دانشجویان ایرانی در بریتانیای کبیر همراه با انجمن‌های دانشجویی از دانشگاه‌های لندن، بیرمنگام و لیدز و انجمن دانشجویان ایرانی در انگلستان و انجمن دانشجویان ایرانی شرکت ملی نفت ایران شرکت کردند. چون سازمان‌دهی فدراتیو عملاً در گروه‌های دانشجویی وجود داشت، طبیعی بود که گردهم آیی بزرگترین این گروه‌ها شکل یک کنفدراسیون را به خود بگیرد.^۳ کنگره هایدلبرگ اهداف سازمان جدید را به شرح زیر اعلام کرد:

«هماهنگ کردن تمام دانشجویان ایرانی در اروپا و انجمن‌ها و سازمان‌های اتحادیه‌های محلی ایشان به صورت یک کنفدراسیون به منظور ایجاد و حفظ و استواری روح همکاری بین ایشان در اروپا و آگاهانیدن بیشتر آنها به حقوق و وظایف صنفی خویش و تدارک وسائل تشکیلاتی به منظور ارتباط همه»

۱. الموتی، همان، ص ۲۴۱.

۲. متین، همان، ص ۸۴.

۳. متین، همان، ص ۸۵.

محصلین ایرانی و مطالعه در شرایط کار و چاره‌جویی درباره مسائلی که بر قشر دانشجوی و تحصیل کرده طبق منافع میهن ما معلوم است»^۱

این نخستین بیانیه دانشجویی زیر لوای یک اتحادیه دانشجویی ایرانی در خارج از کشور و نشان‌دهنده شروع جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور بود. در این بیانیه که قسمتی از آن در بالا آورده شد به جنبه صنفی و سیاسی اتحادیه اشاره می‌شود که به آشکار بر سیاسی بودن این اتحادیه دانشجویی تأکید می‌شود.

در این اتحادیه منوچهر ثابتیان، منوچهر هزارخانی و روح‌الله حمزه‌ای به ترتیب از انگلستان، فرانسه و آلمان به‌عنوان مسئولین موقت انتخاب شدند و مأموریت یافتند که کنگره کنفدراسیون را تدارک ببینند.^۲ در تابستان ۱۹۶۰ اولین کنگره کنفدراسیون در دانشگاه لندن تشکیل شد که وظیفه تنظیم اساسنامه انتخاب دبیران بر اساس تعیین یک فدراسیون کشوری برای یک دوره رهبری کنفدراسیون را به عهده داشتند. در این دوره دبیران فدراسیون انگلستان که عبارت بودند از منوچهر ثابتیان، حمید عنایت، مهرداد بهار، محسن رضوانی و ژیلای سیاسی به‌عنوان مسئول رهبری کنفدراسیون شناخته شدند.^۳

۵- سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا:

آمریکا نیز از دیگر کشورهایی بود که ایرانیان برای تحصیل انتخاب می‌کردند. بعد از سقوط رضاشاه و حضور آمریکا در ایران به تدریج روابط ایران و آمریکا بالا گرفت و در پی این نیز راه برای حضور دانشجویان ایرانی در آمریکا مهیا شد. روند اعزام دانشجو در آمریکا به صورتی بود که به تدریج تعداد این دانشجویان به حدی رسید که توانستند برای خود سازمان و اتحادیه تشکیل دهند.

در سال ۱۹۶۰ یک سازمان مستقل دانشجویی ایرانی نیز در ایالات متحده ظاهر شد. ریشه این سازمان دانشجویی ایرانی در آمریکا برمیگردد به سال ۱۹۵۲ توسط سفارت ایران در آمریکا و نیز دوستان آمریکایی خاورمیانه در سال ۱۹۵۱ ظاهراً با نیت «انسان دوستانه» تأسیس شد^۴ و هدفش را بهبود روابط بین ایالات متحده و کشورهای خاورمیانه اعلام کرد. ولی در حقیقت این نهاد یک «سازمان پوششی» بود که هزینه آن را بخش سازمان‌های بین‌المللی سیا تأمین می‌کرد، یعنی اداره‌ای که از طریق آن سازمان سیا در مهار اتحادیه‌های کارگری و گروه‌های دانشجویی کشورهای دیگر با شوروی‌ها رقابت می‌کرد. هدف

۱. همان، ۸۵.

۲. علیرضا کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران، ص ۲۲۵.

۳. علیرضا کریمیان، همان، ص ۲۲۵

۴. متین، همان، ص ۸۷.

ظاهری «دوستان آمریکایی خاورمیانه» کمک به دانشجویان خارجی برای ورود به کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا بود و این دانشجویان وقتی که در آمریکا بودند نیز از حمایت‌های مالی و مشورتی این تشکیلات بهره‌مند می‌شدند.^۱

در دهه ۵۰ میلادی سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا در راستای حمایت از دولت ایران فعالیت و پشتیبانی می‌کرد. مسئله کودتای ۲۸ مرداد سبب شد تا عده‌ای از دانشجویان با کودتا و دولت از در مخالفت درآیند ولی کار به جایی نرسید و تا اواخر دهه ۵۰ میلادی این سازمان در راستای پشتیبانی از دولت ایران فعالیت می‌کرد. در اواخر دهه ۵۰ به تدریج شاهد مخالفت‌ها و اعتراض‌های این دانشجویان می‌باشیم که دیگر سر از محافظه‌کاری خود بیرون آورده‌اند و شروع به نقد دولت ایران می‌کنند و در اینجاست که به تدریج جریان دانشجویی مخالف دولت ایران و بعدها حکومت پهلوی شروع می‌شود. محمد نخشب یکی از دانشجویان ایرانی بود که فعالیت‌های ضد دولت ایران را شروع کرد و به تدریج این فعالیت‌ها منجر به جریان دانشجویی ضد دولت ایران شد. محمد نخشب ضمن تشویق جوانان دانشجویی برای حمایت از جبهه ملی در آمریکا و درعین حال حفظ هویت مستقل دانشجویی، فعالیت‌های بسیاری انجام داد. در هشتمین گردهمایی دانشجویان در «ایپی سیلانتی میشیگان»، گروه مخالفین دولت موفق شدند ریاست این کنگره را به دست گیرند. محمد نخشب به عنوان مسئول یکی از کمیته‌های این کنگره انتخاب شد.^۲

زمانی که اردشیر زاهدی به عنوان سخنران، اظهاراتی در مورد سیاست دولت ایران بیان و در ضمن سخنرانی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان قیام ملی یادکرد، با عصبانیت و مخالفت سرسختانه محمد نخشب و برخی از حاضرین در گردهمایی مواجه شد. محمد نخشب ضمن اعتراض به وی اعلام کرد «نه هیئت حاکمه ایران حکومت قانونی مردم است و نه شما که داماد شاه هستید، نماینده ملت ایران» اردشیر زاهدی که به شدت از این برخورد ناراحت شده بود، با عصبانیت ضمن تهدید محمد نخشب و برخی از همراهان وی، جلسه را ترک کرد.^۳

در همین جلسه بود که دانشجویان موفق شدند اساسنامه خود را به تصویب برسانند و هیئت‌رئیس جدیدی را انتخاب کنند که موضع‌گیری‌های آنها در مقابل دولت ایران مشخص بود. در قطعنامه پایانی این کنگره، ضمن حمله شدید به سیاست‌های دولت ایران، دانشجویان مطالبات خود را افزایش داده، خواهان تغییر در سیاست داخلی و خارجی کشور شدند و تلاش‌های دولت ایران و سفارت برای جلب

۱. همان، ص ۸۷.

۲. بهرامی، زندگی و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی محمد نخشب، ص ۸۵.

۳. بهرامی، زندگی و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی محمد نخشب، همان، ص ۸۶.

حمایت دانشجویان و کم کردن قدرت جناح مخالف دولت به جایی نرسید و ترکیب هیئت اجراییه جدید سازمان که به شرح ذیل بود، دولت ایران را بیشتر نگران کرد:

صادق قطب زاده، منشی ثبت گزارشات؛

منصور صدری، خزانه دار؛

کیوان طبری، منشی ارتباطات؛

محمد نخشب، سردبیر نشریه دانشجوی؛

مجید تهرانیان (معاون رئیس)؛

علمی محمد فاطمی (رئیس)^۱

نوع برخورد با اردشیر زاهدی سبب شد، زمانی که دو تن از هیئت رئیسه برای تمدید گذرنامه به سفارت مراجعه می کنند، اردشیر زاهدی با تمدید گذرنامه آنها و چند نفر دیگر از دانشجویان مخالف وی در آمریکا مخالفت کند. که این مسئله باعث تنش شدیدی بین سازمان دانشجویان ایران در آمریکا با سفارت شد و این مسئله را رسانه ای کردند. بنی صدر که در این زمان دانشجوی دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود طی نطقی در مقابل میتینگ دانشجویان این چنین از این دانشجویان حمایت می کند:

«در حدود یک ماه پیش آقای فاطمی رئیس اتحادیه دانشجویان مقیم آمریکا و مدیر روزنامه ایران نامه که به زبان انگلیسی منتشر می شود و صفحات آن شاهد شورانگیزترین احساس وطن دوستی «برای تمدید گذرنامه به سفارت ایران در آمریکا مراجعه می کنند» آقای اردشیر زاهدی به عنوان سفیر و بر سبیل عادت شروع به فحاشی و ادای ناسزاهای رکیک به سران نهضت ملی ایران می نماید و پس از مباحثات بین الاثتین جناب سفیر می فرمایند من گذرنامه شما را تمدید نخواهم کرد و این عمل را درباره عده دیگری از دانشجویان نظیر آقای صادق قطب زاده انجام می دهند. دانشجویان به نخست وزیر اصلاح طلب که اعمالش انقلابی جلوه می کرد «تلگراف» کردند و ایشان به جای جواب، مصاحبه، و فرمودند که اینها به مملکت فحش دادند.»^۲

با این حوادث بدون شک رابطه دانشجویان با سفارت وارد دوره جدیدی شد و دوران شکل گیری مبارزات دانشجویان ایرانی در آمریکا شروع شد.

۱. روح الله بهرامی، همان، ص ۸۷.

۲. اسناد نهضت آزادی ایران، ص ۷۴.

از دانشجویان ایرانی که در ابتدا در راستای تأسیس اتحادیه‌های دانشجویی و بعدها کنفدراسیون نقش به‌سزایی داشتند می‌توان افراد زیر را نام برد: فرج‌الله اردلان، برزگر، مجید تهرانیان، علیمحمد شاهین فاطمی، فرخ تمامی، احمد اشرف، حسن لباسچی، محمد نخشب، صادق قطب‌زاده.^۱

۶- کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور (اتحادیه ملی):

کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور را می‌توان برجسته‌ترین و معروف‌ترین سازمان و یا معروف‌ترین اپوزیسیون ضد شاه در دهه هفتاد میلادی دانست و در واقع نماد مبارزه با رژیم پهلوی، نزد غربی‌ها، محسوب می‌شد. به جرئت می‌توان گفت پس از جنگ دوم جهانی، هیچ‌یک از جنبش‌های دانشجویی معروفیت، وجهه و اهمیت کنفدراسیون را کسب نکردند. دریافت پیام از جبهه آزادی‌بخش ویتنام و فلسطین به هنگام برگزاری کنگره‌های کنفدراسیون، دیگر روایی عادی به شمار می‌رفت. کنفدراسیون آنقدر نیرو و اعتماد به نفس کسب کرده بود که پس از حادثه المپیک مونیخ در سال ۱۹۷۲ که به ممنوعیت سازمان دانشجویان و کارگران فلسطینی در آلمان غربی انجامید، قیمومیت دفاع از آن دو سازمان را به عهده گرفت.^۲

کنفدراسیون دارای چنان قدرتی بود که توانسته بود در اکثر شهرهای جهان که دانشجویان ایرانی در آن شهرها تمرکز داشتند شعبه داشته باشد و فعالیت کند. مسئله کنفدراسیون چنان برای رژیم پهلوی دردسرساز شده بود که مدام ساواک در پی نفوذ در این سازمان بود تا بتواند آن را از کار بیندازد. تظاهرات دانشجویان عضو کنفدراسیون در مواقعی که شاه به غرب سفر می‌کرد در دسری جدی برای رژیم بود که به شدت رژیم و شاه را آزار می‌داد و این مسئله سبب می‌شد تا چهره رژیم نزد مردم غرب رژیمی خشن و دیکتاتور نشان داده شود. کنفدراسیون در خارج از کشور تبدیل به اپوزیسیون قوی شده بود که جهانیان بیشتر به آن می‌پرداختند تا فعالیت احزاب ایران همچون جبهه ملی و حزب توده در خارج از کشور. در واقع می‌توان گفت کانون مبارزات سیاسی علیه شاه در خارج از کشور در دست کنفدراسیون بود تا احزاب. به همین خاطر پرداختن به تاریخ کنفدراسیون جهانی محصلین ایرانی در خارج از کشور بسیار مهم است.

۷- چگونگی شکل‌گیری و تأسیس کنفدراسیون جهانی:

۱. الموتی، ایران در عصر پهلوی، همان، ص ۲۴۲.

۲. شوکت، کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) از آغاز تا انشعاب، ص ۱۴.

بعد از سرکوب دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ و در پی آن جو سنگین سیاسی ایران در پی کودتا به تدریج رژیم حاکم توانست سیاست‌های خود را اجرا کرده و جلوی فعالیت‌های سیاسی که مخالف با رژیم بود را بگیرد. این امر سبب شد تا در این دوران چندساله جریان‌های سیاسی به حاشیه رانده شوند و شاه و دستگاه حاکمیت وی یک تاز میدان سیاست ایران باشند. همان‌طور که در فصل دوم گفته شد در آمریکا دموکرات‌ها در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسیدند و این امر سبب شد تا به شاه فشار بیاورند تا فضای سیاسی درون ایران را بازتر کند. در همین راستا جبهه ملی دوم شکل گرفت و دانشجویان نیز شروع به فعالیت کردند. در واقع می‌توان گفت اوج فعالیت‌های دانشجویی بعد از سقوط رضاشاه را می‌توان بین سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ دانست. دانشجویان ایرانی در خارج از کشور نیز از این موقعیت استفاده کرده و به فعالیت‌های خود افزودند و در پی تأسیس اتحادیه دانشجویان ایران در خارج از کشور بودند.

در ادامه کنگره‌های که توسط کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا برگزار می‌شد کنگره پاریس از همه آنها مهم‌تر بود زیرا بنیان کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) را گذاشت. این کنگره در تاریخ ۱۱ تا ۱۵ دی ۱۳۴۰ در پاریس برگزار شد. با حضور و پیوستن انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا (سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا) و همچنین ابراز حمایت دانشجویان دانشگاه تهران از کنفدراسیون برگزار شد که در نوع خود بی‌سابقه بود.^۱

کنگره پاریس در پایان کار خود با صدور قطعنامه‌ای مواضع خود را به روشنی نشان داد. این قطعنامه به روشنی دیدگاه کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) را نشان می‌دهد. در این قطعنامه در ابتدا آمده است که جنبش دانشجویی در راستای آرمان خود که همانا آزادی می‌باشد گام برخواهد داشت و در همین راستا آزادی‌خواهی در مقابل بیدادگرایی‌ها عقب نخواهد نشست. دانشجویان طرف مقابل خود را اهریمن می‌دانند و می‌نویسند بر ما واجب است که با اهریمن و سپاه دشمن بجنگیم. در این قطعنامه پیوستن دانشجویان دانشگاه تهران با اتحادیه دانشجویان ایرانی در آمریکا را خاری در چشم هیئت حاکمه ایران دانسته می‌شود. در ادامه این قطعنامه این دانشجویان خواسته‌ها و مطالبات خود را در ۲۰ مورد نوشته و خواستار این ۲۰ مورد گردیدند.^۲

این بیست مورد به ترتیب در اینجا ذکر می‌گردد:

۱- ما اعتراض شدید خود را نسبت به قطع بورس و کمک‌هزینه تحصیلی دانشجویان و سیاست تهدیدآمیز دولت ابراز داشته و مستقیم که پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی بر مبنای فعلی صحیح نیست و

۱. علیرضا کریمیان، همان، ص ۲۲۷.

۲. مرکز سنجش و پژوهش اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست‌وزیری، شماره بازیابی: ۳۸۷۶۸.

- می‌بایست توزیع آن برحسب استحقاق مالی و شایستگی تحصیلی محصلین و دانشجویان با نظارت و کنترل مستقیم سازمان‌های دانشجویی انجام شود.
- ۲- ما انزجار و تفریبی‌پایان خود را نسبت به اقدام خودسرانه و غیرانسانی مسئولین واقعی فاجعه ۱۶ آذرماه ۱۳۳۲ دانشگاه تهران ابراز داشته به روح پاک این سه قهرمان شهید درود فراوان می‌فرستیم و به کیفر رساندن مسببین این جنایت را خواستاریم.
- ۳- ما می‌خواهیم که فارغ‌التحصیلان کشور طی یک مدت از دورانی که تاکنون به خدمت نظام‌وظیفه تعلق می‌گرفته‌اند در راه برانداختن بی‌سوادی به خدمت‌های آموزشی در میان مردم بپردازند.
- ۴- ما معتقدیم که اجرای قانون تعلیمات اجباری برایگان از وظایف هر دولت است و عمل دولت ایران را مبنی بر واگذاری مؤسسات فرهنگی به سرمایه‌های خصوصی به بهانه "واگذاری کار مردم به دست مردم" را شدیداً محکوم می‌کنیم.
- ۵- با توجه به نقش مهمی که آموزگاران و دبیران در بنای ایران آینده دارند کوشش پرثمر ایشان در راه ترقی فرهنگ ایران می‌ستاییم و به آنان درود می‌فرستیم و از مسئولین کشور می‌خواهیم که به خواسته‌های آنان پاسخ مثبت دهند و هرچه زودتر مسببین اصلی قتل دکتر خانعلی دبیر شهید را به مجازات برسانند.
- ۶- ما تبلیغات مستقیم و غیرانسانی دولت ایران را بوسیله رادیو و مطبوعات دست‌نشانده و ضد ملی علیه دانشجویان ایرانی و سازمان‌های نماینده آنها بشدت محکوم نموده و صریحاً اعلام می‌اریم که اینگونه تبلیغات سوء و خلاف واقع جز افزودن بر نفرت دانشجویان ایرانی نسبت به دولت و دستگاه حاکمه ایران حاصلی نخواهد داشت.
- ۷- ما مبارزه ارجمند و دلیرانه دانشجویان مقیم آمریکا را در حفظ وحدت دانشجویی می‌ستاییم و توطئه‌های بی‌شرمانه و ننگین مجریان زور و قلدری هیئت حاکمه و سفیر گستاخ آن را محکوم کرده و عزل این عنصر فاسد و تمدید گذرنامه دو تن از عزیزترین برادران مبارز و دیگر دوستان دانشجو خود را خواهانیم.
- ۸- ما شدیدترین انزجار خود را نسبت به جلوگیری دولت آزادی‌کش امینی از عزمت نمایندگان گرامی دانشجویان دانشگاه تهران برای شرکت در این کنگره که زائیده هراس این دولت از وحدت روزافزون دانشجویان است ابراز می‌داریم.
- ۹- پیشاهنگان مبارزات دانشجویی ایران دانشجویان دانشگاه تهران و تلاش آزادی‌خواهانه آنان را می‌ستاییم و آزادی عمل آن مشعل‌داران دانش را که در زنجیر حکومت ستمگرند خواستاریم.
- ۱۰- آزادی پیشوای خردمند و فرزانه نهضت ملی ایران و مظهر مبارزات ملی جناب آقای دکتر محمد مصدق از خواسته‌های خدشه‌ناپذیر ده‌ها هزار دانشجوی پاکدل ایران در سراسر جهان است.

- ۱۱ - تعویق انتخابات تعطیل مشروطیت که مخالف اصل ۴۸ قانون اساسی و مانع شرکت حقانہ ما در تعیین نمایندگان واقعی ملت و مداخله در سرنوشت خویش است مورد اعتراض شدید ماست و همصدا با ملت ایران خواستار شروع انتخابات مجلس شورای ملی بوده عمل غیرقانونی دولت را گذراندن لوایح بدون صحنہ مجلس شورای ملی تقبیح و محکوم می‌نماییم.
- ۱۲ - ما می‌خواهیم که طبق تبصره "۳" از ماده "۸" از ماده "۱۳" منشور ملل متحده و ماده "۳" اعلامیہ جهانی حقوق بشر زنان میهن ما از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مراجع قانون‌گذاری و از تساوی کلیہ حقوق اجتماعی با مردان برخوردار شوند.
- ۱۳ - ما آزادی زندان سیاسی را که برخلاف اعلامیہ جهانی حقوق بشر و قانون اساسی ایران بدون برخورداری از هرگونه حق دفاع در دادگاه‌های فرمایشی محکوم شده‌اند خواستاریم.
- ۱۴ - ما آزادی فعالیت کلیہ جمعیت‌ها و احزاب ملی را که هم‌اکنون در سخت‌ترین شرایط و در محیط خفقان پلیسی به پیکار رهایی‌بخش میهنی مشغولند خواستاریم.
- ۱۵ - ما سیاست استقراض خودسرانہ دولت را به استناد اصل «۲۵» قانون اساسی ایران مربوط به قرضه‌های خارجی به‌شدت محکوم می‌کنیم.
- ۱۶ - ما سیاست اقتصاد غیرعلمی و ضد ملی درهای باز را که تا به حال جز در طریق تأمین منافع قدرت‌های اقتصادی غرب و وارد آوردن سنگین‌ترین لطمات به اقتصاد بیمار کشور مؤثر نبوده است و بنا بر اعترافات رسمی دولت امینی کشور را به پرتگاه ورشکستگی کشانده است محکوم شده میدانیم.
- ۱۷ - ما می‌خواهیم که دولت ایران با خروج از پیمانهای نظامی و تحکیم روابط دوستانه با کشورهای بی‌طرف و اتخاذ یک سیاست خارجی مستقل ملی و بی‌طرفانه کشور ما را از خطرات سیاست وابستگی به بلوک‌ها مصون دارد.
- ۱۸ - با توجه به این حقیقت که نماینده دولت ایران در سازمان ملل متحد همواره علیه دول بی‌طرف و [به سود] کشورهای استعماری و جنگ طلب رأی داده است اعلام می‌کنیم که ادامه این روش زیر پا گذاشتن افکار عمومی مردم ایران است ما خواستاریم که نمایندگان ملت ایران در مراجع بین‌المللی با توجه به این نکته که منافع ملی ما و مردم کشورهایی چون الجزایر، هندوستان، مصر، کوبا، غنا، گینه، برمه و دیگر کشورهای بی‌طرف مشترک است از منافع و خواست‌های این کشورها در برابر قدرت‌های نظامی شرق و غرب دفاع کند.
- ۱۹ - سیاست تبعیض نژادی دولت فاشیست آفریقای جنوبی را یک جنایت بزرگ و لکه ننگ بر دامن جامعہ بشری می‌دانیم و از دولت ایران و عموم هم‌میهنان خود می‌خواهیم که در راه محو و نابودی این سیاست ضد بشری و فاشیستی مردم آفریقا جنوبی با کلیہ وسایل ممکن یاری دهند.

۲۰ - نظر به اینکه ترقی و تعالی ملل ضعیف و عقب‌مانده چون ملت عزیز ایران مستلزم تلاش آگاهانه تک‌تک افراد آن در یک محیط صلح و آرامش است و نظر به اینکه تسلیحات در عصر حاضر به حدی توسعه و تکامل یافته که شروع جنگ با انهدام بشریت خاتمه می‌یابد تلاش در راه استقرار صلح و منع و کنترل آزمایش‌های اتمی و انهدام سلاح‌های هسته‌ای حمایت از سازمان ملل متحد طرفداری از استقلال و آزادی واقعی ملت‌ها در برابر نیروهای استیلا طلب جهانی تقویت و همراهی با کشورهایی که سیاست بی‌طرفی را سیاست خارجی خود قرارداده‌اند و مبارزه برای از بین بردن پیمانها و بلوک‌های نظامی به‌طور انفرادی وظیفه هر دانشجو روشن‌بین و به‌طور کلی هدف مقدسی برای کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی است.»^۱

با مطالعه این قطعنامه به‌روشنی می‌توان فهمید که دانشجویان طرفدار دکتر مصدق و حامی جبهه ملی در کنار دانشجویان توده‌ای قرار دارند و چند بندی از این قطعنامه نیز شامل خواسته‌ها و مطالبات دانشجویان توده‌ای بود. در این قطعنامه به‌وضوح به رژیم شاه حمله شد و خود را در مقابل رژیم حاکم تعریف و عملاً شروع به مبارزه با رژیم کردند. این قطعنامه در واقع آغاز تاریخ جنبش دانشجویی ایران در خارج از کشور علیه رژیم وقت بود و یا می‌توان گفت این قطعنامه آغاز شکل‌گیری جنبش دانشجویی ایران به معنی کلمه در خارج از کشور بود. با مطالعه این قطعنامه می‌توان بی‌برد که دانشجویان مذهبی هنوز جای پای در فعالیت‌های دانشجویی خارج از کشور ندارند و در واقع بنیان انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به بعد از سال ۱۳۴۲ برمی‌گردد که در نیمه دوم دهه چهل توانستند اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان را در خارج از کشور تأسیس کنند که به دلیل دوره زمانی در این بخش نمی‌گنجد.

نتیجه‌گیری:

شکل‌گیری جنبش دانشجویی در خارج از کشور متأثر از جنبش دانشجویی در داخل ایران بود. رضاشاه که در پی صنعتی کردن کشور بود نیاز به نیروی ماهر ایرانی داشت که این نیرو وجود نداشت و نیاز می‌رفت تا با اعزام دانشجویان ایرانی به خارج از کشور به صورتی گسترده به این نیاز کشور پاسخ داده شود. این مسئله منجر به تصویب قانون اعزام دانشجو به خارج از کشور شد و بعد از تصویب این قانون ده سالی نگذشته بود که بیش از ده هزار دانشجو از طریق این قانون به خارج از کشور اعزام شدند. در پی این امر به‌تدریج در دوره پهلوی اول و دوم تعداد دانشجویان ایرانی در خارج از کشور فزونی گرفت و با

۱. مرکز پژوهش و سنجش اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست‌وزیری، شماره بازایی: ۳۸۷۶۸.

افزایش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور به تدریج زمزمه تأسیس اتحادیه‌های صنفی و فرهنگی در خارج از کشور شکل گرفت. دانشجویان ایرانی در مرحله اول، منتقد دولت و رژیم حاکم نبودند و انجمن‌ها و اتحادیه‌های آنها بیشتر در راستای کار فرهنگی و صنفی بود و با برگزاری جشن نوروز و دیگر جشن‌های ایرانی سعی در شناساندن فرهنگ ایرانی به غربی‌ها بودند. به همین نسبت نیز به تدریج دانشجویان ایرانی زیاد می‌شدند و فعالین دانشجویی ایرانی که در دانشگاه تهران فعالیت سیاسی کرده بودند به آنها اضافه می‌شدند و شرایط برای حرکت به سمت فعالیت سیاسی ضد رژیم حاکم بر ایران مهیا می‌شد.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا سال ۱۳۳۹ فعالیت دانشجویی در ایران سرکوب شده بود و دانشجویان سکوت کرده بودند و همین مسئله نیز منجر به این شده بود که دانشجویان ایرانی خارج از کشور نیز در بین این سال‌ها یا دست به فعالیت سیاسی زنند یا به کار فرهنگی خود بپردازند. با آغاز دوباره فعالیت دانشجویی در ایران در اواخر دهه سی به همان نسبت نیز شاهد فعالیت سیاسی دانشجویان ایرانی در خارج از کشور هستیم که در نهایت منجر به شکل‌گیری کنفدراسیون جهانی محصلین ایرانی خارج از کشور شد که در واقع این کنفدراسیون بزرگ‌ترین اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور در نیمه دوم دهه چهل و دهه پنجاه، علیه شاه تبدیل شد.

منابع و مأخذ:

- حاضری، محمدعلی. *روند اعزام دانشجویی*. تهران: سمت، ۱۳۷۲.
- متین، افشین. *کنفدراسیون، تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور*. ترجمه ارسطو آذر. تهران: شیرازه، ۱۳۸۷.
- شوکت، حمید. *نگاهی از درون به جنبش چپ ایران*، مصاحبه با خاناباا تهرانی. تهران: شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۶۸.
- *نامه پارسی*. دوره اول، ش ۱. س ۱. اردیبهشت ۱۳۳۸. مه ۱۹۵۹. ص ۲.
- الموتی، مصطفی. *ایران در عصر پهلوی*. ج ۹. لندن: بی نا، ۱۳۷۲.
- مکی، حسین. *تاریخ بیست ساله ایران*. ج ۶. تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲.
- *تاریخ روابط ایران و آلمان* (مصور). ایرانیکا. ترجمه پیمان متین. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- *چپ در ایران به روایت اسناد ساواک*. شورای نویسندگان. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳.
- کریمیان، علیرضا. *جنبش دانشجویی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- بهرامی، روح‌الله. *زندگی و فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی محمد نخشب*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
- *اسناد نهضت آزادی ایران*. ج ۲. تهران: چاپخانه رایکا، ۱۳۶۱.
- شوکت، حمید. *کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی) از آغاز تا انشعاب*. تهران: عطایی، ۱۳۸۷.
- مرکز سنجش و پژوهش اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست‌وزیری، شماره بازیابی: ۳۸۷۶۸.
- مرکز پژوهش و سنجش اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست‌وزیری، شماره بازیابی: ۳۸۷۶۸.